

بررسی رابطه بین رفتارهای نوگرایانه و انحرافات اجتماعی ملایم « تبیین رفتارهای انحرافی دختران جوان در بابل بر اساس مشخصه‌های نوگرایی »

دکتر علی اصغر عباسی اسفنجیر^۱

دکتر علی رحمانی فیروز جاه^۲

چکیده:

یکی از عمده‌ترین فرآیندهایی که طبیعتاً در مسیر توسعه هر جامعه‌ای شکل می‌گیرد، حرکت جامعه به سوی دنیای مدرنی است که راه را برای بسیاری از پیشرفت‌های بعدی باز می‌کند. جریان مدرنیته یا نوگرایی جریانی است که ابتدا در غرب پدید آمد و به تدریج به سایر نقاط منتقل شد. از آنجایی که این جریان خواستار تغییراتی در همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه می‌باشد. طبعاً برای جوامعی که این پدیده زاینده تحولات درونی آن‌ها نبوده است. ورود آن از دنیای دیگر منجر به ایجاد تعارضاتی با بافت فرهنگی و نظام ارزشی سنتی جامعه شده است؛ یکی از این تعارضات و مشکلات ممکن است رفتارهای انحرافی زنان باشد. این تحقیق درصدد است با توجه به تئوری‌های رفتارهای مدرن، رفتارهای بزهکارانه نوجوانان را در شهر بابل تبیین کند که روش این مطالعه از نوع تحقیقات توصیفی علی و پیمایشی است و این کار با یک پرسش‌نامه محقق ساخته فراهم شده است که پس از جمع‌آوری داده‌ها و اعتبار یابی پرسش‌نامه و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ « ۰/۸۸ » نسبت به توصیف داده‌ها اقدام شد و با روش تحلیل چندگانه فرضیه‌ها آزمون گردید. متغیرهای مستقل این پژوهش: (۱) تساوی‌طلبی (Egalitarian Orientation) التزام عقلانی است به اصل تساوی حقوق و پایگاه انسانی، بدون قائل شدن هر نوع تبعیض بر پایه جنبه‌های منسوب به جنس، قوم، (۲) استقلال‌طلبی (Independence Orientation) نگرشی به سوی آزادی از اجبارهای ساختار اقتدار سنتی است که نتیجه آن عدم هم‌نوایی با چنین هنجارهایی است. (۳) ریسک‌پذیری (فرهنگ خطر کردن): (Risk culture) یکی از وجوه اساسی فرهنگ تجد که به موجب آن آگاهی از خطرهای احتمالی به صورت ابزاری برای تسخیر و آبادانی آینده در می‌آید (۴) پذیرش تجارب جدید: به منظور پذیرش و امتحان تجارب جدید در برابر تجارب گذشته. که بر اساس تجزیه به مفاهیم این ابعاد نوگرایی، متغیرهای عقلانیت، فردگرایی، مصرف‌گرایی و عرفی شدن و نقادی‌گری به عنوان متغیرهای مستقل نهایی مورد سنجش قرار گرفته‌اند. متغیر وابسته متشکل از ۲۵ گویه شامل ابعاد «خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، مذهبی» در قالب تعداد دفعات انجام انحراف خفیف ارزیابی شده است. زمان اجرای تحقیق، فروردین ۱۳۸۸ در شهر بابل بوده است. حجم نمونه مورد مطالعه ۳۸۱ نفر از جوانان دختر در گروه سنی ۳۰ تا ۱۸ ساله هستند. برای آزمون فرضیه‌ها و نیکویی برآزش مدل از نرم‌افزار آماری Minitab استفاده شده است. نتایج بدست آمده ناشی از مقایسه متغیرهای پیش‌بینی‌کننده در فرضیه‌ها بر اساس دو نوع تحلیل چندگانه‌ی آماری حاکی از این است که در تحلیل رگرسیون چندگانه « فردگرایی » و

۱ - استادیار، جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

مصرف‌گرایی» نقش قوی و با ثباتی دارند. در الگوسازی معادلات ساختاری هم «فردگرایی» و «مصرف‌گرایی» نیز تأثیر برجسته‌ای بر انحراف خفیف دارد.

واژه‌های کلیدی:

کنترل اجتماعی، انحراف خفیف، ریسک‌پذیری، تساوی‌طلبی، استقلال‌طلبی، پذیرش تجارب جدید در جامعه

مقدمه و طرح مسأله

یکی از عمده ترین فرآیندهایی که طبیعتاً در مسیر توسعه هر جامعه‌ای شکل می‌گیرد، حرکت جامعه به سوی دنیای مدرنی است که راه را برای بسیاری از پیشرفت‌های بعدی باز می‌کند. جریان مدرنیته یا نوگرایی جریانی است که ابتدا در غرب پدید آمد و به تدریج به سایر نقاط منتقل شد. از آن جایی که این جریان خواستار تغییراتی در همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه می‌باشد. طبعاً برای جوامعی که این پدیده زائیده تحولات درونی آن‌ها نبوده است. ورود آن از دنیایی دیگر منجر به ایجاد تعارضاتی با بافت فرهنگی و نظام ارزشی سنتی جامعه شده است؛ یکی از این تعارضات و مشکلات ممکن است رفتارهای انحرافی دختران جوان باشد.

هدف پژوهش

هدف از پژوهش انجام شده که مقاله حاضر برگرفته از آن است، این است که نشان داده شود همراه با حرکت ساختارهای اجتماعی به سوی نوسازی (مدرنیزاسیون)، با تغییر موقعیت اجتماعی سنتی زنان، این گروه نیز از جایگاه سنتی خود به تدریج فاصله گرفته و با تحرک اجتماعی بیشتر و سریع‌تر و مشارکت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، نوگراتر شده‌اند و رابطه این نوگرایی با رفتار انحرافی چیست؟

مشخصه‌های نوگرایی را می‌توان در ابعاد زیر مطرح نمود:

۱) تساوی‌طلبی: (Egalitarian Orientation) التزام عقلانی است به اصل تساوی حقوق و پایگاه انسانی، بدون قائل شدن هر نوع تبعیض بر پایه جنبه‌های منسوب به جنس، قوم و...

۲) استقلال‌طلبی: (Independence Orientation) نگرشی به سوی آزادی از اجبارهای ساختار اقتدار سنتی است که نتیجه آن عدم همنوایی با چنین هنجارهایی است.

۳) ریسک‌پذیری (فرهنگ خطر کردن): (Risk culture) یکی از وجوه اساسی فرهنگ تجدد که به موجب آن آگاهی از خطرهای احتمالی به صورت ابزاری برای تسخیر و آبادانی آینده در می‌آید.

۴) پذیرش تجارب جدید: به منظور پذیرش و امتحان تجارب جدید در برابر تجارب گذشته. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۲۵) به طور کلی مدرنیته یعنی خرد باوری و تلاش برای بخردانه کردن هر چیز، شکستن و ویرانگی عاداتهای اجتماعی و باورهای سنتی همراه با پشت سر نهادن ارزشها، حسها، باورها و در یک کلام شیوه‌های مادی و فکری زندگی کهن مدافعان مدرنیته اعلام می‌دارند که نوشتن و امروزی‌گی کار علم و نوآوری است. طی عقلانیت حاصل از علم و نوآوری روابط افراد

صرفاً در چارچوب محاسبه‌های خشک و بی عاطفه مالی یا به بیان بهتر در جایگاهش در تقسیم کار اجتماعی شکل می‌گیرد. حتی به زعم «زیمل»، ادراک افراد از زمان و مکان هم خوان می‌شود با خرد باوری ابزاری، اقتصادی و محاسبه‌گرانه (احمدی، ۱۳۷۳: ۱۲-۱۱).

«هابر ماس» برخلاف وبر که صرفاً بر کنش عقلانی هدفمند تأکید دارد. معتقد به دو نوع کنش می‌باشد:

کنش عقلانی که با رعایت قواعد فنی تحمیل می‌شود و کنش ارتباطی که در آن هنجارهای وفاقی از زبان مشترک میان ذهنی ناشی می‌شوند. اولین کنشی است عقلانی که نیروهای اقتصادی و فن‌آوری را هدایت می‌کند و دومین نوعی عقلانیت است که باید شهروندان را در تصمیم‌گیری هدایت کند (کیویستو، ۱۳۸۰: ۱۱۰) همچنین وی برخلاف وبر که معتقد است عقلانیت ابزاری منجر به شیئی‌گویی و از خودبیگانگی هرچه بیشتر افراد می‌شود. معتقد است که کنش ارتباطی و تفاهمی راهی است برای رهایی از شیئی‌گویی جامعه مدرن؛ زیرا این کنش بر مبنای ارزشهای مشترک بین افراد صورت می‌گیرد.

به طو کلی عقلانیت مورد نظر در جامعه مدرن، عقلانیت رسمی است که به زعم «ریتزر» تأکید بر محاسبه‌پذیری، تأکید بر کارایی و بازدهی، تأکید بر قابلیت پیش‌بینی امور طی محاسبات دقیق و کنترل امور انسان‌ها از مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده این نوع عقلانیت هستند» (ریتزر، ۱۳۷۳: ۳۷۵)

یکی دیگر از تغییرات ناشی از پیشرفت‌های فن‌آوری که بیشتر جنبه کیفی داشته است تا کمی، تغییر جهت اقتصاد از تولید به مصرف بوده است. «جوامع صنعتی پیشرفته امروزی از نظر اقتصادی با رشد بسیار زیاد به اصطلاح بخش سوم مشخص می‌شوند؛ یعنی آن بخش از فعالیتهای اقتصادی که مستقیماً نه به بخش کشاورزی و نه به بخش تولید کالاهای صنعتی وابسته‌اند. پیامد این تغییر جهت خصلت اقتصادی در زندگی روزمره، نه تنها رشد فراوانی و رفاه، بلکه همچنین رشد اوقات فراغت فرد بوده است که طی آن پیوسته شماره فزاینده‌تری از افراد، اوقات کمتری را در جهان فعالیت‌های تولیدی گوناگون سپری می‌کنند و در عوض، پیوسته فرصت بیشتری را صرف زندگی خصوصی خود می‌کنند» (برگو و کلنر، ۱۳۸۱: ۱۸۷).

مصرف را طبق چارچوب جامعه‌شناختی آن می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «در درجه اول مصرف در خدمت برآوردن نیازهای زیستی است که البته این کارکرد از حوزه جامعه‌شناسی بیرون است. در مراتب بعدی، مصرف در خدمت تعریف کردن کیستی کنشگران

(پاسخ به سوال من کیستم؟) باز کردن راهی برای عضویت افراد در گروه‌های اجتماعی، تثبیت مقولات فرهنگی، ایجاد و باز تولید انواع نابرابری اجتماعی، شکل دادن به ناخودآگاهی فردی و جمعی، انفعال سیاسی یا مقاومت در برابر قدرت، ایجاد گروه بندی‌های مدرن متمایز از گروه بندی‌های مبتنی بر جنسیت، قومیت و... تجاری کردن روال‌های روزمره زندگی و بازتولید اقتصاد سرمایه داری است» (فاضلی، ۱۳۸۲، ۵۷).

طرفداران مدرنیته معتقدند که فرآیند نوگرایی و رهایی از سنت‌ها به افراد حق انتخاب بیشتری می‌دهد و مجموعه الگومندی جهت تصمیم‌گیری افراد در کنش‌هایشان بوجود می‌آورد. از جمله این نظریه پردازان «آنتونی گیدنز» می‌باشد که معتقد است «سبک زندگی» افراد کارکرد هویت بخش دارد. «زیمل» نیز بر این کارکرد تأکید می‌کند. «به عقیده زیمل، زندگی در شهرهای مدرن امروزی، فشارهای ساختاری جدیدی بر افراد وارد می‌کند. تعلقات گروهی از بین رفته و درگیر شدن در نظام تقسیم کار پیچیده دستمایه‌های هویت و تمایز از دیگران را زایل کرده است. در چنین وضعیتی، شیوه خاص مصرف کردن و سبک زندگی، راهی برای بیان خود در رابطه با دیگران و انبوه جمعیت حاضر در کلان شهر است. افراد در مواجهه با گمنامی حاصل از زندگی در شهر، برای حفظ هویت خویش از مصرف بهره می‌گیرند.» (فاضلی، ۱۳۸۲، ۲۵-۲۴)

«به عقیده «ریسمن» در هر دوره از تاریخ یک جامعه، یک نوع شخصیت اجتماعی حاکم است که فرد بر اساس آن به جهان و افراد آن نزدیک می‌شود و این نوع شخصیت در میان گروه‌های اجتماعی مشترک است. وی شخصیت اجتماعی دوران پیش صنعتی را شخصیت «سنت‌گرا» و شخصیت اجتماعی دوره مدرن (صنعتی) را شخصیت «خود مختار» می‌نامد که طبق آن هر فرد استقلال دارد» (کیو یستو، ۱۳۸۰: ۱۵۳).

به طور عینی می‌توان گفت عضو پایه در ساختارهای جامعه مدرن «فرد» است. در اثر جوامع پیش مدرن فرد در جهان بسیار منسجم‌تر به سر می‌برد. در نتیجه چنین جهانی در چشم او جهانی پایدار و مقدر می‌نماید. بر عکس، فرد مدرن، با توجه به تجربه خود از کثرت جهان‌های اجتماعی، به نسبی سازی هر یک از آنها می‌پردازد و در نتیجه تأکید واقعیت از نظم عینی نهادها به قلمرو ذهنیت فرد جابجا می‌شود. به بیان دیگر، تجربه ی خود فرد از خویشتن برایش واقعی‌تر از تجربه اش درباره جهان بینی می‌شود. بنابراین، فرد برای یافتن جای پای خویشتن در واقعیت، بیش از پیش به جستجوی درون خود می‌پردازد تا بیرون از خود. یکی از پیامدهای این جابجایی آن است که واقعیت ذهنی فرد برای خودش به نحوی

فزاینده تفکیک، پیچیده و «مورد علاقه» می‌شود فرد که حامل هویت به صورت موجودیت حقیقی خویش است به طور کاملاً منطقی جایگاه بسیار مهم خویش را در سلسله مراتب ارزشها احراز می‌کند. آزادی فردی، خودمختاری فردی و حقوق فردی و به صورت دستورها و احکام اخلاقی دارای اهمیت بنیادین، مسلم فرض شده و حق برنامه ریزی حتی الامکان آزادانه زندگی شخصی و شکل بخشیدن به آن به حقی متمایز از میان سایر حقوق فردی بدل می‌شود. (برگر و کلنر، ۱۳۸۱: ۸۶-۸۵).

«کارل دابر» عرفی شدن را یک مفهوم چند بعدی می‌داند و میان سه عرصه دینی، فردی و اجتماعی این مفهوم تمایز قائل می‌شود و این سطوح را چنین بیان می‌کند:

۱. تغییر و تحول درون دینی که به هر چه دنیوی تر شدن دین می‌انجامد.
۲. کاهش در تضمین و التزام دینی فرد.
۳. لاتیگ شدن در سطح کلان اجتماعی که موجب تفکیک و تمایز ساختاری و عملکردی نهادهای گردد (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۴۱).

• عرفی شدن در سطح فردی

در سطح فرد، طبق نظر «دانیل بل» روشنگری منجر به عرفی شدن گردیده و طبق نظر «وبر» عقلانی شدن فرد منجر به عرفی شدن گردیده است. عرفی شدن فرد منجر به تحولاتی می‌شود از جمله:

۱. تحولات بینشی یعنی رشد عقلانیت، تکیه بر عقل ابزاری و عدول از بینش شهودی و کاهش غایت انگاری.
۲. تغییر در گرایشها شامل کاهش تعصبات دینی، افزایش تساهل و مدارا در زمینه مسائل دینی، قانع شدن فرد به حیات تهی از معنا و دل کندن از معنویت و پناه جستن به لذت آنی و نفسانی.
۳. تغییر نگرش که شامل چند تحول جدی در فرد است:

- انتقال از ارزش مداری به فایده گرایی
- انتقال از نوع دوستی به مصلحت‌اندیشی
- انتقال از عافیت‌اندیشی به دم‌غنیمت شماری
- انتقال از تعالی خواهی به لذت جویی
- انتقال از سعادت طلبی به عافیت طلبی
- انتقال از طلب رضایت الهی به مطالبه خرسندی دنیوی

• انتقال از عدالت خواهی به منفعت طلبی

۴. تغییر در رفتار دینی یعنی کاهلی در پایبندی به فرامین دینی و بی‌اعتنایی به انجام تکالیف دینی.

• عرفی شدن در سطح اجتماعی

در سطح جامعه «ویلسون» معتقد است که تمایز یافتگی ساختی در جامعه منجر به عرفی شدن امور گردیده است. نکته مورد تأکید ویلسون، کاهش اهمیت اجتماعی دین است که در نهادها، کنشها و آگاهی‌ها رخ می‌دهد. وی می‌گوید «عرفی شدن» به دنبال این معنا نیست که بگوید تمام آحاد بشر وجدان و باوری عرفی شده پیدا می‌کنند و حتی این مدعا را ندارند که بیشتر افراد از تمامی علائق دینی شان چشم می‌پوشند، بلکه نهایت حرف او این است که اهمیت و نقش دین در کارکردهای نظام اجتماعی کاهش می‌یابد» (شجاعی زند، ۱۳۸۰: ۲۱۸).

عرفی شدن جامعه نیز در چهار سطح قابل طرح است:

۱- عرفی شدن ساختاری بدین معنا که ساختار ساده جوامع به ساختار تمایز یافته و پیچیده تبدیل می‌شود و عرفی شدن وجهی از این ساختاریابی مجدد جوامع نوین است و بر اثر آن بخشهایی از جامعه و فرهنگ از اختیار نهادها و سمبولهای دینی خارج می‌شوند و نهادها و تفکرات دینی اهمیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند.

۲- عرفی شدن نهادی که در نتیجه این فرآیند، نهاد دینی دست از برتری طلبی بر می‌دارد و از فشار آوردن بر سایر نهادها خصوصاً نهاد سیاسی برای تحمیل خواسته‌های خود، امتناع می‌ورزد. نهاد دینی به تدریج از کارکردهای قبلی خود دست می‌کشد و حتی تحت تأثیر روز افزون نهادها و روابط عرفی دیگر قرار می‌گیرد. در این شرایط، طبق گفته «بلا» دین نهاد تخصیص یافته‌ای است که تنها به مسائل ثانوی زندگی مثل مراسم نیایش می‌پردازد.

۳- عرفی شدن فرهنگی که طبق این فرآیند، نقش دین در روند هنجار سازی جامعه کاهش می‌یابد. «از جمله تحولات مهم در این زمینه عبارت است از:

- کاهش سهم آموزه‌های دینی در شکل دهی به فرهنگ عمومی جامعه
- کاهش سهم ارزش‌های دینی در نظام ارزشی جامعه
- کاهش یا قطع ارتباط میان دین و اخلاق فردی و اجتماعی

- کاهش اهمیت اخلاق و سهم عواطف در مناسبات به شدت غیر شخصی شده اجتماعی
- محو شدن اثر احکام دینی در قوانین اساسی و مقررات جاری
- از اهمیت افتادن دین به عنوان یکی از مهم ترین مجاری هنجار فرصت « (شجاعی زند، ۱۳۸۰: ۲۴۶).

۴- عرفی شدن منزلتها « سن سیمون » یکی از مشخصات جوامع مدرن را پدید آمدن جا به جایی در سلسله مراتب اجتماعی دانسته است. او می گوید در حالی که روحانیون در ساختهای جدید به مراتب پایین تری از سلسله مراتب اجتماعی نزول پیدا می کنند، این دانشمندان، صنعتگران و بانکداران هستند که مراتب بالاتری را در جامعه مدرن در می نوردند. افول موقعیت و منزلت اجتماعی روحانیون، علاوه بر کاهش تدریجی اهمیت نهاد دین در جامعه، از محدود شدن نقشهای محول و تقلیل کارکردهای مورد انتظار و در نتیجه کم شدن نیاز و رجوع مردم کارکردهای مورد انتظار و در نتیجه کم شدن نیاز و رجوع مردم به ایشان ناشی می گردد.

به طور کلی پیامد عرفی شدن در سطح درون دینی، خصوصی شدن و شخصی شدن دین است؛ پیامد عرفی شدن در سطح فردی، کاهش عضویت و حضور در مراسم دینی و اماکن مذهبی است و پیامد عرفی شدن در سطح جامعه نیز مرگ تدریجی دین در نظام سرمایه داری است.

یکی دیگر از عناصر فرهنگی نوگرایی، افزایش روحیه و طرز تفکر انتقادی در بین افراد است که طی آن اعضای جامعه به همدیگر با دید نقادانه نگاه می کنند. روحیه نقادی گری خود به دنبال آزادی بیان افکار و عقاید حاصل می شود.

در جامعه مدرن هر تفکر نوینی در برخورد با ارزشهای سنتی و یا بهتر بگوییم ارزشهای کهنه تعیین می شود. روشنفکر دوره ی مدرن را می توان خلاق «اندیشه انتقادی» دانست. «برای روشنفکر مدرن، حقیقت به شکل مطلق وجود ندارد زیرا آنچه هست راهها و طرق مختلفی است که برای وصول به حقیقت در برابر ما وجود دارد. حقیقت برای روشنفکر به منزله عقیده ای است که با دیگر عقاید در برخورد است. در واقع، دوران مدرن معنایابی خود را طی نقدهای بنیادینی که نسبت به باورها و ایستارهای سنتی انجام می دهد، کسب می کند» (واترز، ۱۳۸۱: ۳۶).

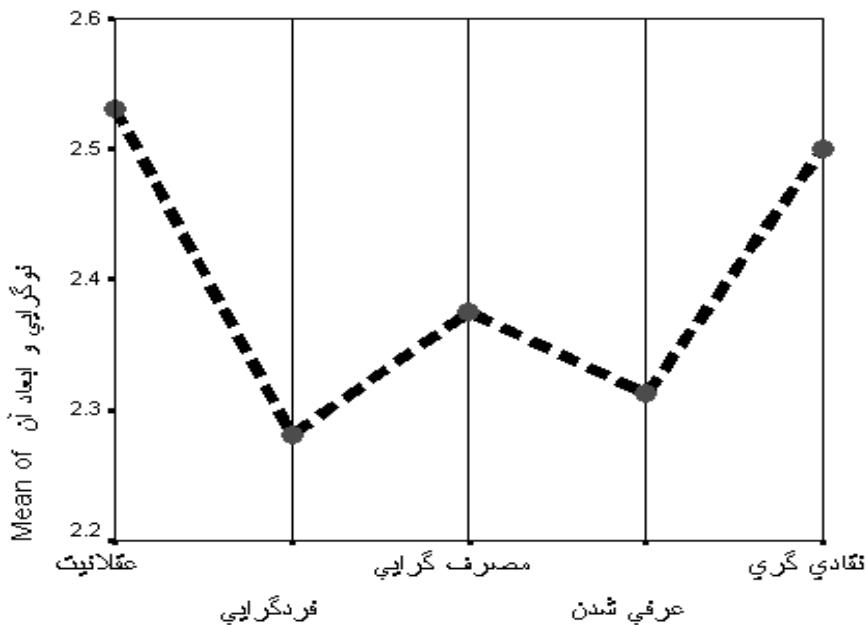
مفهوم نوگرایی مفهومی بسیار ذهنی و انتزاعی است و لذا به منظور سنجش آن باید شاخصهای مختلفی را در نظر گرفت. در پژوهش حاضر طبق مطالعات صورت گرفته، نه شاخص اصلی که اکثر نظریه پردازان نوگرایی و جامعه شناسان به آنها اذعان داشته‌اند، در نظر گرفته شده است. که هر کدام از این شاخصها مبنای تئوریک خاصی دارد. به این ترتیب که جامعه شناسان مختلف هر کدام نوگرایی را بر حسب یک یا چند شاخص از شاخصهای مذکور تعریف کرده‌اند. همچنین از آنجایی که شاخص‌های مذکور هنوز ذهنی هستند و امکان سنجش آنها بصورت عملی وجود ندارد، لذا با توجه به تعاریفی که از سوی جامعه شناسان مختلف از هر یک از این مفاهیم ارائه گردیده است، می‌توان این مفاهیم را به عناصر جزئی‌تری نیز تقسیم بندی نمود که به این ترتیب شاخصهای نهایی سنجش نگرش نسبت به نوگرایی به دست می‌آید. فهرست شاخص‌های خرد نوگرایی همراه با نظریه پردازان مربوطه بدین قرار است:

جدول (۱): تعاریف متغیرهای مستقل نوگرایی

مفاهیم نوگرایی Abstract	متغیرهای نوگرایی Variable	معرف‌های اندازه گیری Indicator /Concrete
استقلال طلبی ریسک پذیری تساوی طلبی پذیرش تجارب جدید	عقلانیت	داشتن بینش علمی و منطقی در امور مختلف، نفی تقدیر گرایی و شانس، قرارداد گرایی، کاهش اهمّیت عواطف و احساسات و واکنشهای عاطفی
	فردگرایی	استقلال طلبی در امور مختلف چون ازدواج و محل زندگی، اصالت فرد یعنی ملاک حقیقت بودن وی، اکتسابی بودن موفقیت در زندگی نه انتسابی بودن آن.
	مصرف گرایی	پیروی از درآمد، استفاده از تکنولوژی مدرن و کالاهای مصرفی حاصل از آن، رفاه طلبی
	عرفی شدن	کاهش تعصبات مذهبی و عقاید دینی، کاهش سهم ارزشهای دینی در نظام ارزشی جامعه
	نقّادی‌گری	گفتمان دو سویه و نقد ارزیابی مسائل سیاسی و اجتماعی

همان‌گونه که جدول (۱) نشان می‌دهد تعاریف متغیرهای مستقل نوگرایی و ابعاد آن معرفی شده‌اند اعتبار یابی مربوط به خوشه‌های سنجش در هر بعد از طریق تحلیل عاملی تایید شده است. همان‌طور ضرایب همبستگی دوگانه متغیرهای مستقل حاکی از همسانی و هماهنگی متغیرهای مستقل با هم است.

نمودار (۱): میزان میانگین‌های موجود در هر یک از ابعاد پنج گانه متغیر مستقل



بر اساس شواهد موجود در نمودار (۱)، بیشترین نمره بدست آمده در دامنه ۱ تا ۵ مربوط به «عقلانیت» و کمترین میانگین حاصله مربوط به فردگرایی است. توضیح این که با رجوع به مقادیر بیشینه و کمینه و همچنین خطای انحراف از میانگین در بین ابعاد، می‌توان ادعا کرد که الگوی پراکندی و تمرکز در پنج بعد اختلاف معنی داری از هم ندارند و تقریباً الگوی مشترک دارند.

روش تحقیق:

این مطالعه در دو سطح اسنادی و میدانی انجام شده است که در سطح اسنادی با بررسی نظریه‌ها و اسناد و مدارک موجود در این زمینه چهارچوب نظریه پژوهش تدوین و فرضیات مورد نظر مشخص گردید، و در سطح میدانی نیز از روش پیمایشی استفاده شده است. تحقیق پیمایشی یکی از روش‌های گردآوری، تنظیم و تحلیل داده‌هاست. و یکی از وظائف آن، توصیف خصوصیات مجموعه‌ای از موردها می‌باشد.

محقق، در پیمایش با بررسی تغییرات متغیر بر حسب موردها و جستجوی ویژگی‌های دیگری که بطور منظم با آن پیوند دارد در پی شناخت علل پدیده‌ها بر می‌آید. بدین ترتیب

هدف تحقیق پیمایشی آن است که با مقایسه دقیق ویژگی‌های مختلف موردها، به استنباط علی نائل آید. (نایبی، ۱۳۸۶، ۱۵-۱۶)

جامعه آماری:

جامعه آماری این تحقیق را دختران و زنان جوان شهر بابل تشکیل می‌دهند

حجم نمونه:

با توجه به فرمول حجم نمونه کو کران و با توجه به حجم جامعه آماری، ۳۶۳ نفر به عنوان نمونه آماری مشخص گردیده است؛ اما به دلیل آموزشی بودن این تحقیق، تعداد ۱۷۵ نفر از جامعه آماری انتخاب شدند.

$$n = \frac{Nt^2Pq}{Nd^2 + t^2Pq}$$

n = تعداد نمونه آماری

N = تعداد جامعه آماری که ۶۷۲۱ نفر بوده است

t = ضریب اطمینان که برای دقت احتمالی ۰.۰۵، برابر با ۱.۹۶ در نظر گرفته می‌شود

p = بیانگر وجود یک صفت در جامعه آماری

q = بیانگر عدم وجود یک صفت در جامعه آماری

d = دقت اطمینان که بر مبنای ضریب اطمینان محاسبه می‌شود و برابر ۰.۰۵ است

$$n = \frac{6721(1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{6721(0.05)^2 + (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5} = 363$$

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از دو روش تجزیه و تحلیل آماری استفاده شده است: ابتدا برای توصیف دقیق جامعه آماری مورد بررسی از آمار توصیفی و سپس برای آزمون فرضیه‌ها و دستیابی به اهداف تحقیق از آمار استنباطی استفاده شده است.

توصیف متغیر وابسته:

متغیر وابسته در این پژوهش با ۱۷ گویه در چهار بعد سنجیده شده است. (که البته گویه‌ها از نوع خفیف و قابل اغماض و بدون توبیخ بوده و در واقع به عنوان انحراف ملایم و خفیف عنوان می‌شود). شاخص کلی انحراف خفیف با میانگین نمره ۳/۲ حاکی از وقوع انحراف خفیف تقریباً در حد متوسط به بالا در جامعه آماری فوق است. کوچک‌ترین میانگین مربوط به شاخص کلی انحراف ملایم و خفیف است. و بزرگ‌ترین میانگین مربوط به بعد انحراف فرهنگی با رقم ۳/۶ است. (بنگرید به: جدول ۲ و نمودار (۲))

جدول (۲): تعاریف متغیر وابسته (انحراف ملایم و خفیف) و ابعاد آن:

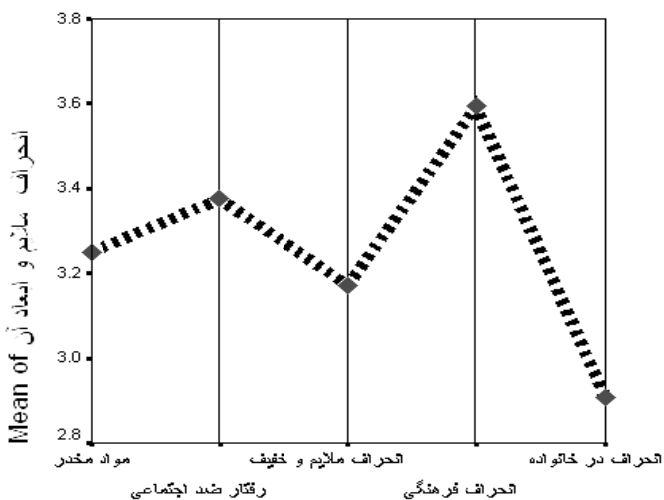
ضریب آلفا	گویه‌ها	متغیر
۸۵۲۴/۰ ۸۴۸۷/۰	۱- چقدر مواد دخانی (سیگار، حشیش، تریاک و کراک و...) را می‌شناسید؟ آیا تا به حال مصرف کرده اید؟ چند بار؟ ۲- چقدر میل دارید که مشروبات الکلی را مصرف کنید؟ تعدادی از نوشیدنی‌های الکلی را که می‌شناسید نام ببرید.	مصرف مواد مخدر
۸۵۳۵/۰ ۸۵۶۸/۰ ۸۴۹۱/۰ ۸۴۸۲/۰ ۸۴۹۶/۰ ۸۴۷۳/۰	۱- داخل پارک‌ها مسیرهایی برای رفت و آمد مشخص شده چقدر سعی می‌کنید از این مسیرها عبور کنید؟ ۲- چقدر براتون مهم است که به چمن‌های کنار خیابون و پارک آسیب نرسانید؟ ۳- تا حالا براتون اتفاق افتاده روی بدنه کیوسک تلفن یادداشت بنویسید و یا شماره‌ای را یادداشت کنید؟ ۴- چقدر براتون اتفاق افتاده روی صندلی‌های اتوبوس چیزی بنویسید و یا اینکه قسمتی از روکش صندلی را پاره کنید؟ ۵- دوست داری عضو گروهی باشی که افرادی پر سروصدا و پر انرژی هستند که دوست دارن سر به سر دیگران بگذارند؟	رفتار ضد اجتماعی
۸۵۱۸/۰ ۸۴۸۱/۰ ۸۵۰۴/۰ ۸۵۰۲/۰ ۸۵۰۷/۰	۱- تا حالا شده که تو روی پدر و مادرتون بایستید و با حرفشون مخالفت کنید؟ ۲- اتفاق افتاده آنقدر دیر به خونه برسی که والدین تو نگران بشن؟ ۳- وقتی که اعضای خانواده‌ام حرفهای منو درک نمی‌کنن و به خاطر مسائل کوچک به آدم گیر می‌دن دلم می‌خواد که دیگه به خونه برنگردم. ۴- چقدر در دعواها و بگو مگوهای خانوادگی شرکت می‌کنید؟ ۵- وقتی می‌بینم که پدر و مادرم به من زور می‌گن، دلم می‌خواد هر چی که دوست دارم بهشون بگم.	انحراف در روابط خانوادگی
۸۴۶۳/۰ ۸۴۵۱/۰ ۸۴۸۰/۰ ۸۴۹۲/۰ ۸۴۷۷/۰	۱- چقدر با جنس مخالف ارتباط مستقیم (مثل پارک رفتن، سینما رفتن و...) داشته‌اید؟ ۲- چقدر با جنس مخالف ارتباط تلفنی داشته‌اید؟ ۳- تا حالا چقدر فیلم‌هایی که صحنه‌های سکس داشته دیده‌اید؟ ۴- چقدر براتون اتفاق افتاده که مزاحم تلفنی داشته باشید؟ ۵- زمانی شده که بخواهید از طریق تلفن سر به سر کسی بگذارید؟	انحراف فرهنگی

بر اساس اطلاعات جدول (۲) می‌توان توضیحات زیر را جهت فهم مختصات و جزئیات متغیر وابسته بیان کرد:

(۱) میانگین نمره ۳/۲ در رابطه با انحراف ملایم و خفیف به عنوان، نمایه کل حاکی از وقوع مورد توجه رفتار است.. که نیاز مند باز آزمایشی ابزار در مقاطع مکانی و زمانی دیگر است.

(۲) تحلیل روایی گویه‌ها شاهد بر این مدعا است که، پرسش‌ها داری هم‌سازی درونی قابل قبول هستند.

نمودار (۲): میزان میانگین‌های موجود در هر یک از ابعاد چهارگانه متغیر مستقل و شاخص کل انحراف



تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌ها

تحلیل مسیر (Path analysis)

در تحلیل مسیر، به هر مسیری یک ضریب داده می‌شود. این ضرایب همان وزن بتا (β) در رگرسیون چند متغیره است که بیانگر مقدار تأثیر هر متغیر بر متغیر دیگر است. فلش‌ها در تحلیل مسیر، با علامت‌اندیس دار β_{ij} مشخص می‌شوند که در آن j معرف متغیر مستقل و i معرف متغیر وابسته (انتهای پیکان) است.

گاهی برای روشن شدن مقادیر بتا، پیکان‌ها را تقریباً متناسب با اندازه ضریب مسیر عریض نشان می‌دهند.

ضریب مسیر به ما می‌گوید که چه قدر از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل توضیح داده شده است.

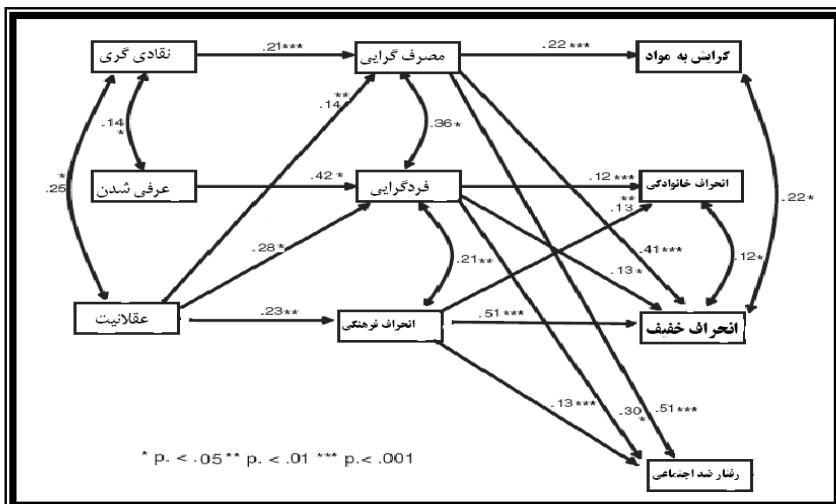
اثر هر متغیر را اثر کل می‌خوانند که متشکل از دو نوع اثر است: اثر مستقیم و اثر غیرمستقیم.

فرآیند پیدا کردن میزان اثر مستقیم و غیرمستقیم و تعیین اهمیت مسیرهای غیرمستقیم مختلف، تجزیه (Decomposition) خوانده می‌شود. (نایی، ۱۳۸۶، ۲۲۴)

در تحلیل مسیر برای محاسبه اثرهای متعدد، از ضرایب مسیر استفاده می‌شود. از آن جا که مقدار اثرها استاندارد شده است می‌توان مستقیماً آن‌ها را با هم مقایسه کرد. برای تعیین اهمیت اثر مستقیم بین دو متغیر، فقط کافی است به ضرایب مسیر آن‌ها نگاه کرد. برای تعیین اثر غیرمستقیم یا مسیر غیرمستقیم، ضرایبی را که در امتداد آن مسیر قرار دارند در هم ضرب می‌کنیم، هم‌چنین برای تعیین کل اثر غیرمستقیم متغیری بر متغیر دیگر، اثر مسیرهای غیرمستقیم آن دو متغیر را با هم جمع می‌کنیم و برای پیدا کردن کل اثر علی، همه ضرایب غیرمستقیم و مستقیم را با هم جمع می‌کنیم.

تفسیر ارقام حاصله به وزن بتا برمی‌گردد. با نگاه کردن به این ارقام به سادگی می‌توان پی برد که اهمیت کدام مسیر بیش‌تر است و می‌توان گفت که یک متغیر به چه طریق بر متغیر دیگر اثر دارد. (نایی، ۱۳۸۶، ۲۲۵)

نمودار (۳): تحلیل چند گانه روابط متغیرهای مستقل و وابسته بر اساس منطق تحلیل مسیر



نتیجه گیری

در ایران از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیمایش‌هایی پیرامون ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در دو موج طی سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ به اجرا در آمده است که یکی از گزارش‌های این طرح پیرامون «جنسیت و نگرش اجتماعی» است. طی نتایج حاصل از این پژوهش، زنان و مردان در نگرش‌های سیاسی خود از جمله «احساس آزادی فعالیت احزاب و گروهها، آزادی انتقاد از حکومت و اعتماد به نهادهای حکومتی» تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند (طرح ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۸۲-۱۳۷۹). همراه با تحولات فرهنگی و حرکت جامعه به سمت مدرنیته شدن، دیدگاه‌های سنتی مرد سالارانه تغییر نموده و زنان نیز مجال یافته‌اند پا به پای مردان در امور مختلف مشارکت نموده و صاحب‌نظر باشند که این امر منجر به تحرکات اجتماعی زنان و نوگراتر شدن آن‌ها شده است و این نوگرایی شرایط کنش‌های داوطلبانه و درگیری بیشتر در امور اجتماعی ایجاد کرده است و این کنش‌های داوطلبانه و درگیری بیشتر در امور اجتماعی شرایط ارتکاب رفتارهای انحرافی خفیف را تسهیل کرده است. بر اساس نمودار (۳) که حاوی مدل علی روابط متغیرها است، نکات زیر قابل توجه می‌باشد:

۱) تمامی روابط موجود در مدل دارای روابط معنی‌داری در سطوح
 $p < .001$ *** $p < .01$ ** $p < .05$ * می‌باشند.

۲) پنج معادله رگرسیونی در جهت تعلیل روابط متغیرها، با منطق رگرسیون سلسله مراتبی تنظیم شده است. که در تمامی مدل‌ها با احتساب اثر گذاری مستقیم و غیر مستقیم دو متغیر «فردگرایی» و «مصرف‌گرایی» نقش قوی و با ثباتی دارند.

منابع:

الف) فارسی

۵. احمدی، بابک (۱۳۷۳)، مدرنیته و اندیشه انتقادی. تهران: نشر مرکز.
۶. احمدی، حبیب ا... (۱۳۷۷)، نظریه‌های انحرافات اجتماعی، شیراز، انتشارات زر.
۷. ریتزر، جورج (۱۳۷۳)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه احمد غروی زاد، تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد).
۸. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۰). دین، جامعه و عرفی شدن جستارهایی در جامعه‌شناسی دین، تهران: نشر مرکز.
۹. فاضلی، محمد، (۱۳۸۳)، مصرف و سبک زندگی، قم، انتشارات صبح صادق.
۱۰. کیویسنو، پیتر (۱۳۸۰)، اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ دوم تهران: نشر نی.
۱۱. ممتاز، فریده (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاهها، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۲. وانرز، مالکوم (۱۳۸۱)، جامعه سنتی و جامعه مدرن: مدرنیته، مفاهیم انتقادی، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات نقش جهان.
۱۳. والاس، کلرو پاملا آبوت (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیره نجم عراقی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

ب) انگلیسی:

Internet:

1. Kramer, Laura, (2000) The sociology of Gender. A Brife Introduction www.Ruxbury.net/sociology/gender.html.
2. Lawrence, Carmen, (1997), The Gender Gap in political behavior www.carmenlawrence.com/papers/gendergap.htm
3. Nnieken. Jim.(2000), Boys are better than Girls: Adolescent Gender socialization in North America. www.rubu.con.org/nieken/writ/gendersocialization.html.

Books:

1. Hirschi, T. & M. Gottfredson. (1986). "The Distinction Between Crime and Criminality". In Critique and Explanation: Essays in Honor of Gwynne Nettler, edited by T. Hartnagel & R. Silverman (pp. 44-69). NJ:Transaction.
2. Siegel, L. (2004). Criminology: Theories, Patterns, & Typologies, 8e. Belmont, CA: Wadsworth/Thomson Learning